

## Unit 18 book 6

از قبل

اگر کاری از قبل انجام شده باشد ، پیشاپیش انجام می شود.  
او قبلاً چمدان خود را بسته بود ، بنابراین توانست فوراً آنجا را ترک کند.

سانتیگراد

اگر درجه حرارت سانتیگراد باشد ، مقیاس بندی می شود ، بنابراین آب در 0 درجه یخ می زند و در 100 درجه می جوشد.  
در زمان بهار ، دما به اندازه 26 درجه سانتیگراد گرم می شود.

پچ پچ کردن

پچ پچ کردن به معنای سریع صحبت کردن در مورد چیزهای غیر مهم است.  
بچه ها پشت کلاس پچ پچ کردند.

کنسرتو

کنسرتو موسیقی برای یک ساز انفرادی است و با گروه ارکست نواخته می شود.  
کنسرتوی پیانو بخشی دارد که فقط پیانو در آن نواخته می شود.

متراکم

متراکم شدن گاز به معنای مایع شدن آن است.  
هوای خنک باعث شد قطرات ریز آب روی چمن ها متراکم شود.

خور

خور قسمتی از زمین است که در اطراف دریا خم می شود.  
آنها قایق را در یک خور کوچک در ضلع جنوبی جزیره پنهان کردند.

خراب شدن

خراب شدن یعنی بدتر شدن مداوم.  
اقتصاد کشور علیرغم تلاش های سیاستمداران همچنان رو به زوال بود.

خارجی

نمای بیرونی سطح خارجی چیزی است.  
قسمت بیرونی آجیل سخت و چوبی بود ، اما داخل آن نرم و خوشمزه بود.

آزادراه

آزادراه راهی است بدون توقف که در آن اتومبیل ها با سرعت زیاد حرکت می کنند.  
پس از ورود به آزادراه ، رانندگی تا مزرعه والدین من فقط یک ساعت طول می کشد.

دلچسب

اگر کسی یا چیزی دلچسب است ، پس او پر صدا و خوشحال است.  
مادربزرگ داستان خود را با خنده ای صمیمانه به پایان برد که نوه اش را خوشحال کرد.

مهمان نواز

اگر کسی مهمان نواز باشد ، با غریبه ها دوستانه رفتار می کند.

هنگام شام ، پدر با دوستان من بسیار مهمان نواز بود.

#### ملک

ملک یک خانه بزرگ است که اتاقهای زیادی دارد.  
این ملک علاوه بر باغهای زیبا بیش از چهل اتاق داشت.

#### صومعه

صومعه بنایی است که راهبان در آن زندگی می کنند.  
راهبان این صومعه به نان و موسیقی معروف هستند.

#### مهد کودک

مهد کودک اتاقی است که در آن نوزادان و کودکان می خوابند ، بازی می کنند یا از آنها مراقبت می شود.  
بچه ها شب بخیر پدر و مادرشان را بوسیدند و به طبقه بالا و مهد کودک رفتند.

#### دراز شده

اگر چیزی امتداد یافته باشد ، پس از آن به تمام طول خود گسترش می یابد.  
گربه روی پاهای عقب ایستاده بود و پاهای جلوی خود را دراز کرده بود.

#### بسته

بسته بسته ای از چیزهایی است که باید در جایی حمل یا ارسال شود. بسته به نظر می رسید که توسط شخصی پا گذاشته شده است.

#### پروفایل

پروفایل نمایه صورت است ، معمولاً همانطور که از پهلوی دیده می شود.  
نقاشی پروفایل اولیویا بسیار خوب ظاهر شد.

#### سرزنده

اگر شخصی سرزنده باشد ، پرحرف و خوش روح است.  
همه در این مهمانی بسیار سرحال و خوش بودند و اوقات خوبی را سپری می کردند.

#### سیم پیچی

اگر چیزی پیچ در پیچ است ، پس از آن یک مسیر پیچشی را دنبال می کند. رودخانه پر پیچ و خم دور پایه های تپه ها چرخید و حلقه زد.

#### زیپ کردن

زیپ کردن چیزی به معنای بستن آن با زیپ است.  
او پس از قرار دادن کتاب های خود در داخل ، زیپ کوله پشتی خود را بست

#### درس پرستار

یکی از بچه های مهد کودک بیمار بود. مادر کودک ، که معمولاً کاملاً سرزنده بود و مدام گپ می زد ، ساکت و نگران شده بود. او می دانست که اگر سریع اقدام نکند ، وضعیت کودک رو به وخامت می رود.

او پرستار بچه ها را احضار کرد و به او گفت: "راهبان دارویی درست می کنند که می تواند بیماری فرزند من را درمان کند.  
لطفاً ، امشب با عجله به صومعه بروید و آن را دریافت کنید."

پرستار بلافاصله از ملک برای تهیه دارو شتاب زده رفت. صومعه از رابیت کوو بسیار دور بود و هیچ آزادراهی به آنجا منتهی نمی شد. تنها راه آنجا پیاده روی در امتداد یک مسیر تاریک و پر پیچ و خم بود.

دما نزدیک به صفر درجه سانتیگراد بود و باران می بارید. خوشبختانه پرستار از قبل بارانی اش را گرفته بود. او آن را زیپ کرد و کاپوت را بالای سرش کشید.

او فکر کرد: "من هرگز در آنجا موفق نخواهم شد." "شاید من باید برگردم و صبح بروم." اما او کودک بیمار را به یاد آورد و تصمیم گرفت ادامه دهد.

سرانجام ، او به صومعه رسید. خیلی دیر شده بود او می ترسید که راهبان مهمان نواز نباشند. اما او به در نزدیک شد و به هر حال زد. باران در قسمت بیرونی پنجره ها کنار در متراکم شده بود. تنها چیزی که او می دید نیمرخ مرد بزرگی بود که می خواست در خانه را جواب دهد. دوباره ، او از ترس پر از ترس شد

اما راهب وقتی در را باز کرد به او لبخند زد. دست درازش را گرفت و با صدایی دلچسب از او استقبال کرد. مکان گرم بود و او صدای کنسرتو را در اتاق دیگری شنید. او آرام شد.

" چگونه می توانم به شما کمک کنم؟" راهب پرسید ، و پرستار اوضاع را توضیح داد.

او فوراً می دانست چه کاری باید انجام دهد. او بسته ای از دارو را گرفت و با کالسکه ای او را به سمت حیاط منزل برد. دارو جواب داد. پرستار خوشحال بود که در شرایط بد آب و هوایی استقامت کرده و صومعه را پیدا کرده است. حالا پسر می تواند یک زندگی طبیعی طولانی داشته باشد.